

شماره ویژه افشای زوایائی از جنایات اخیر جمهوری اسلامی ایران

اعدام دسته جمعی ۲۴ نفر در کرج



بقیه در صفحه ۵

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان
با سازماندهی دادخواهی جمعی قربانیان تجاوز جنسی،
رژیم شکنجه و تجاوز جمعی را، رسواتر کنیم!
بقیه در صفحه ۲

گزارش ناجا درباره ی کهریزک و اعتراف به شکنجه زندانیان!

این بار نیز ادعا شده است که مسنول برپائی شکنجه گاه و
قتلگاه کهریزک نه مقامات بالا رتبه نظام (آمرین سرکوب)
که ماموران خودسر (عاملین سرکوب) رژیم بوده اند!!
احمد نوین
بقیه در صفحه ۲

"ترانه" ای که فریاد شد

بقیه در صفحه ۳

ارژنگ بامشاد

ادعای نامه دادستان بیدادگاه کودتاچیان، سند تازه رسوایی رژیم جمهوری اسلامی است

رضا رسپیدرودی
این محاکمات و این ادعای نامه می خواهند پنهان کنند که هدف این کارشان، توجیه
تصفیه خونین یک جناح حکومت، ایجاد محدودیت بسیار شدید برای حق رقابت
میان معتقدان به نظام در دستیابی به پست های دولتی از طریق انتخابات، از میان
برداشتن امکان بهره برداری مردم از انتخابات به عنوان وسیله ای در مداخله
میان اختلافات حکومتی و تحمیل یک رژیم امنیتی و نظامی یک دست تر بر مردم
است که عریان تر و وحشی تر از همیشه به سر نیزه متکی است. بقیه در صفحه ۴

شما نیز برای ثبت در تاریخ مبارزات مردم ایران لیست شعارهای درون کشور را تکمیل کنید.

بقیه در صفحه ۱۱

امیرجوهری لنگرودی

کهریزک،

مصاحبه با یکی از اسرای سابق این بازداشتگاه!
بقیه در صفحه ۳

تن خرد شده، دندان شکسته و شکافی در سینه

بقیه در صفحه ۵

تجاوز جنسی در زندان های ولایت مطلق فقیه!

قبل از نامه کروی سازمان عفو بین الملل در مورد تجاوز جنسی
در بازداشت گاه های رژیم هشدار داده بود.
بقیه در صفحه ۸

افشای اسامی بانیان در قتل و شکنجه دستگیر شدگان قیام، در زندان کهریزک!

بقیه در صفحه ۶

بیکر امیر جوادفر و آثار شکنجه بر آن از زبان یکی از شاهدان عینی!

بقیه در صفحه ۴

برخی از اتهامات ادعا نامه "دادستان" بیدادگاههای اخیر رژیم! برخی از اظهار نظرها در رابطه با تواب سازی های اخیر و برپائی بیدادگاههای اخیر رژیم!

بقیه در صفحه ۹

پاسخ سندیکای کارگران شرکت واحد

به ادعای نامه دادستان
بقیه در صفحه ۷

مردمی از جنس لباس شخصی های

با وجود این سخنان شیخ مهدی کروی و برخی مواضع دیگر اصلاح طلبان و با
وجود سوابق نه چندان مطلوب شان همچنان شدیداً از حقوق انسانی و
شهروندی این افراد دفاع میکنم. فوادشمس بقیه در صفحه ۱۰

گزارش ناجا درباره ی کهریزک و اعتراف به شکنجه زندانیان!

این بار نیز ادعا شده است که مسنول برپایی شکنجه گاه و قتلگاه کهریزک نه مقامات بالا رتبه نظام (امرین سرکوب) که ماموران خودسر (عاملین سرکوب) رژیم بوده اند!!
احمد نوین

با سازماندهی دادخواهی جمعی قربانیان تجاوز جنسی، رژیم شکنجه و تجاوز جمعی را، رسواتر کنیم!

گروهی از قربانیان از بند رسته رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در کشتارهای سال های ۶۰ و ۶۷ پیش از این گفته بودند که شکنجه گران و دژخیمان این رژیم در زندان ها به زنان زندانی قبل از اعدام تجاوز کرده اند؛ که بدترین و حیوانی ترین برخوردها با زندانی و فحش و ناسزا و تجاوز جزئی از شکنجه های زندان بوده است؛ و که سابقه این جنایات به آغاز شکل گیری این رژیم مربوط است. اکنون حقایق تلخ تجاوزهای جنسی به دختران و پسران زندانی، از زبان مهدی کروی می در نامه ای خطاب به رفسنجانی اعتراف شده است. کروی می نوسد: "برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است" و "به پسرهای جوان زندانی با حالتی وحشیانه تجاوز کرده اند به طوری که برخی دچار افسردگی و مشکلات جدی روحی و جسمی گردیده اند و در کنج خانه های خود خزیده اند" و "تهدید شده اند که اگر مطلبی در این خصوص بیان نمایند، نابود خواهند شد."

در اطلاعاتی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) آمده است که " تعدادی از دستگیرشدگان اغتشاشات ۱۸ تیر به زندان اوین اعزام می شوند، ولی به جهت محدودیت پذیرش، تعدادی از آنها به صورت موقت به بازداشتگاه کهریزک منتقل می شوند که با توجه به شرایط یاد شده اصولاً اعزام بازداشتی ها به این بازداشتگاهها صحیح نبوده است." بعلاوه در رابطه با وضعیت ضد انسانی بازداشت شدگان شرکت کننده در جنبش اعتراضی اخیر که منجر به شکنجه تعداد زیادی از آنان و بعضاً قتل برخی دیگر از دستگیر شدگان است، اعتراف نموده اند که " شرایط نامساعد زیستی و بهداشتی ، موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم می آورد."

این گزارش با فرمول بندی خاص خویش تلاش نموده است که بار دیگر با اشاره به " ماموران خودسر" رژیم، خشم توده معترض را تنها متوجه این " ماموران خودسر" کرده و امرین جنایات اخیر را پوشش دهد. در این گزارش آمده است : "سهل انگاری و تخلف تعدادی از مسوولان، ماموران و کارکنان بازداشتگاه کهریزک و رده های نظارتی محرز می باشد."

لذا اطلاع میدهند که مسنولان ناجا در صدد هستند که با " عزل و تنبیه دو تن از مسنولانی که در انجام وظایف نظارتی و کنترلی کوتاهی و سهل انگاری داشته اند و برخورد و تنبیه دو تن از افسران نگهبان وقت به دلیل اقدام خودسرانه در تنبیه بدنی بازداشت شدگان، تنبیه انضباطی تعدادی دیگری از مسنولان و مأمورانی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد شرایط به وجود آمده نقش داشته اند." قضیه را فیصله دهند.

تلاشی مذبوحانه، که نه تنها آمران جنایات، بلکه بقیه عاملین سرکوب را نیز پوشش حفاظتی بدهد.

امری که بگونه ای برجسته، در رابطه با جنایات معروف به قتل های زنجیره ای، بدون هیچ ردا و پوششی در معرض دید افکار عمومی قرار گرفت. ده سال قبل نیز پس آنکه اسرار جنایات صاحب منصبان و شکنجه گران مسنول ادم ربانی ها و قتل های نویسندگان و فعالان سیاسی مخالف رژیم به خارج از محدوده تاریخخانه اسرار رژیم روان شد ، سعید امامی معاون زیر اطلاعات وقت و معدودی از جانیان همکار او را دستگیر نمودند. سعید امامی را در زندان " خودکشی " کردند و چند نفر بقیه را هم آتچنان از دسترس افکار عمومی بدون نگهداشتند.

تا به امروز ، رسماً نام دیگر آمران و عاملین قتل های زنجیره ای اعلام نشده است. و هیچکدام از آنان در یک دادگاه مستقل ، عادلانه و مردمی بجرم جنایاتی که مرتکب شده اند، مورد محاکمه و مجازات واقع نشده اند. آمران دستگیری ها، شکنجه ها و کشتار مردم در جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران (که از بالاترین مقامات امنیتی - سیاسی این نظام هستند) این بار نیز که بخشی از جنایاتشان برملا شده است، قصد دارند برای فریب افکار عمومی و گریز از مجازات در صورتی که ناگزیر شوند - با قربانی کردن معدودی از عاملین جنایات، خود را با کمترین صدمات از مجازاتی که شایسته آنان است، برهانند.

رهبران رژیم نکبت بار جمهوری اسلامی ایران نشان داده اند که در این نظام غیر انسانی، انتظار برقراری عدالت اجتماعی و امنیت شهروندان ، انتظاری عبث است.

تجربه نشان میدهد که تا زمانی که رژیم ولایت فقیه بر سرنواخت مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران حکومت میکند، زندان، شکنجه و اعدام، پاسخ حاکمان به مردم معترض و حق طلب است.

برای دستیابی به آزادی و برابری، بغض اولین گام، میبایست رژیم جمهوری اسلامی ایران بدست توانای کارگران و زحمتکشان و دیگر مردم لگدمال شده کشور بزیر کشید شود. این امر با چشم انداز برقراری حکومت کارگری و بدست توانای مردمی که حق تعیین سرنوشتشان را طلب میکنند ، ضمن استفاده بهینه از تشدید شکاف های موجود در میان بالایی ها و با سازماندهی جنبش مستقل و سراسری توده ای، ممکن و میسر خواهد بود به امید آینده.

۱۶ مرداد ۱۳۸۸ - ۷ آگوست ۲۰۰۹

کروی می نوشته است که اخبار تجاوز جنسی به دختران و پسران جوان بازداشت شده در اعتراضات اخیر را "افرادی ... گفته اند که دارای پست های حساس در این کشور بوده اند" و نیروهای نام و نشان داری " هستند " که تعدادی از آنها نیز از رزمندگان دفاع مقدس بوده اند."

سازمان ما که از آغاز خیزش نوین اعتراضی مردم علیه رژیم، با به پای نیروهای سیاسی دیگر گزارش های مربوط به شکنجه و تجاوز جنسی به قربانیان را انتشار داده و آن را بشدت محکوم کرده است، اکنون که رهبران و مدیران بلندپایه سابق همین رژیم نیز به این اعمال شنیع و ضد بشری در زندان ها اعتراف می کنند، بر نکات زیر تاکید می کند:

باید تلاش کرد همه موارد شکنجه های جنسی در زندان ها را یک به یک مستند نمود تا به عنوان بخشی مهم از سند دادخواهی مردم ایران علیه رژیم اعدام و شکنجه و تجاوز باقی بماند. در این راستا ما خواستار روشن شدن همه جوانب این شکنجه ها و افشای اسامی شکنجه گران و متجاوزان جنسی در زندان ها هستیم. جنایتکارانی که به دختران و پسران ما در زندان ها تجاوز کرده اند باید با سمت و عنوان و موقعیت شان یک به یک به مردم معرفی شوند تا در اسرع وقت و به محض فراهم آمدن موقعیت، محاکمه و بشدت مجازات گردند.

نباید به درد و رنج قربانیان این تجاوزات در سکوت و انزوا تن در داد و به تهدید متجاوزان تسلیم شد. فرهنگ مردسالاری که قربانی تجاوز را محکوم می داند، تنها دست این متجاوزان حیوان صفت را در اعمال شان باز می گذارد. برای مقابله با دشواری های دادخواهی فردی؛ و رساتر ساختن صدای مظلومیت این دسته از قربانیان، از همه مبارزان و آزادیخواهانی که بویژه با خود این جوانان یا خانواده هایشان آشنایی و ارتباط دارند می خواهیم تا ضمن کمک به بازسازی روحی آنان و انتشار جزئیات شکنجه و تجاوز در زندان از زبان آنان، به دادخواهی جمعی قربانیان این تجاوزها و تشکیل نهادی مستقل برای پیگیری حقوقی آن کمک رسانند

سرتنگون یاد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

هیات اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۹ مرداد ۱۳۸۸ و ۱۰ اوت ۲۰۰۹

.....

"ترانه" ای که فریاد شد

ارژنگ بامشاد

پسران جوان، زدن به قصد کشت، شکنجه تا حد مرگ، و بکارگیری خشن ترین شیوه ها برای اعتراف گیری، تنها نمونه هایی از این جنایت است. جنایتی که به قتل چند صد تن از فرزندان این مرز و بوم منجر شده است. کشته شده گاتی که جنازه هایشان را نیز به گروگان گرفته اند و تدریجی به خانواده ها تحویل می دهند تا ابعاد آن ناروشن بماند.

اما اگر امروز، زیر فشار جنبش مردمی و بسیج افکار عمومی جهانی و به دلیل نقش قابل ستایش "خبرنگار- شهروندی" در انعکاس این اخبار، همه گان از این جنایات مطلع شده اند و حتی وفاداران نظام هم لب به شکایت گشوده اند، دیروز، بسیاری از همین جنایت ها، در سکوت برگزار شد. وضعیت دستگیر شده گان خرداد سال ۶۰ و سرکوب های اوایل آن دهه از این بهتر نبود. در همان زمان هم رهبران رژیم، فرمان تمام کش کردن جوانان زخمی در خیابان ها را صادر می کردند. در همان زمان هم به دختران باکره، قیل از اعدام بر پایه دستور صریح جنبش مردمی است. تجاوز می کردند. این امر در قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ هم با شدت ادامه داشت. زمانی که زندانیان سیاسی دادگاه رفته که دوران محکومیت خود را می گذراندند، را به فرمان خمینی، گروه گروه حلق آویز کردند و به دختران باکره قیل از اعدام تجاوز نمودند.

اگر امروز انتشار این اخبار باعث شده که برخی از وفاداران نظام اسلامی را نیز به واکنش وادارد، دلیل آن قدرت اعتراضی جنبش مردمی است. جنبشی که ارکان نظام اسلامی را به شدت لرزانده است. کودتاجیان را در انزوی فلج کننده ای گرفتار ساخته است. از این رو باید با تمام قدرت در افشای جنایت امروز و دیروز حکومت اسلامی کوشید. امروز اگر به دلیل فرهنگ مردسالار جامعه، یا به دلیل "شرم وحیای" موجود در میان مردم، قربانیان تجاوز جنسی در زندان ها نمی توانند لب به اعتراض بکشایند، می توان و باید که تجاوز کنندگان، هر جا که نام و نشانی از آن ها موجود است، را رسوا کرد. باید این بیمارمان جنسی که تحت امر ولی فقیه به ضرب و شتم مردم و تجاوز به فرزندان کشور مشغول هستند را در سطح جهانی افشا کرد تا زمینه آن فراهم آید که هم خود آن ها و هم فرامدگان و آمرین دینی شان را به جرم جنایت علیه بشریت به مجرد فراهم شدن فرصت به پای میز محاکمه کشاند.

امروز که متجاوزین به جان و جسم مردم و سرکوب گران ولی فقیه، بیش از پیش رسوا شده اند، باید هم زمان با گسترش دامنه ی مبارزات متحد مردمی، حمایت از قربانیان تجاوز و شکنجه و سرکوب و خانواده هایشان را در الویت همبستگی مبارزاتی قرار داد. نباید اجازه داد قربانیان این جنایات در گوشه خلوت خود دچار افسرده گی و مرگ تدریجی شوند. باید به آن ها نشان دهد که تنها با فریاد کردن این جنایت می توان از تکرار آن جلوگیری کرد. نباید گذاشت این "ترانه" های مردمی خاموش بمانند. باید که "ترانه" های مردم ما فریاد شوند و بنیان ادغام دین در دولت را از ریشه برکنند و بر پایه ی آن، حکومتی از آن خود مردم و پاسدار شرافت و شان انسانی بنیان نهند. ۱۹ مرداد ۱۳۸۸ - ۹ اگوست ۲۰۰۹

شهادت علیرضا داوودی

دانشجوی دانشگاه اصفهان چند روز پس از آزادی/

امیر محسن محمدی دانشجوی اصفهانی همچنان در بند است.

به گزارش خبرنگاری هرانا امیر محسن محمدی فعال دانشجویی بیش از ۵۰ روز است که در زندان در بلاتکلیفی به سر می برد.

امیر محسن محمدی دانشجوی رشته ارتباطات در دانشگاه میبد روز ۲۵ خرداد در منزل شخصی در اصفهان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و تا این لحظه از آزادی یا برگزاری دادگاه او خبری در دست نیست. به گفته مطلعین بازداشت او به جرم تحریک برای آشوب بوده است و این در حالی است که او به دلایل شخصی هیچ فعالیتی در اتفاقات بعد یا قبل از انتخابات نداشته است. همچنین اخباری مبنی بر مشکلات جدی سلامتی او در زندان به گوش می رسد.

پیش از محمدی، علیرضا داوودی دیگر دانشجوی فعال چپ در اصفهان نیز برای مدتی در بازداشت به سر برد اما به فاصله ی کوتاهی پس از آزادی به علت مشکلاتی جسمانی که در زندان برایش پیش آمده بود سه شنبه هفته گذشته دار فانی را وداع گفت.

۱۶ مرداد ۱۳۸۸

ادعانه دادرستان بیدادگاه کودتاچیان، سند تازه رسوایی رژیم جمهوری اسلامی است

رضا رسپیدرودی

در دومین جلسه بیدادگاه بازداشت شده گان مرتبط با اعتراض به کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد دستگاه ولایت و همدستان امنیتی نظامی این دستگاه، در روز جمعه ۱۷ مرداد، ادعانه دادرستان قرانت شد که به راستی از آن باید به عنوان سند تازه ای در رسوایی کودتاچیان یاد کرد. مطالعه این ادعانه روشن می کند که اولاً: چنته کودتاچیان کاملاً خالی است و علیرغم تلاش فراوان برای چسباندن حوادث مختلف و نامربوط به همدیگر در جهت اثبات وجود یک توطئه از پیش طراحی شده از سوی آمریکا و انگلیس و "غرب" در جهت "انقلاب مخملی" در ایران در این امر بکلی ناکام مانده اند. در ادعانه این واقعیت ساده که سایت ها و وبلاگ های فارسی زبان خارج از کشور معمولاً از همان کشور محل اقامت گردانندگان فضای مجازی و سرویس اینترنتی دریافت می کنند، یا این واقعیت ساده که در شرایط انسداد خبررسانی و فیلترینگ رژیم از شبکه های مختلف رایگان خبر و اطلاع رسانی استقبال می شود و با این که بهره برداری از سرویس های رایگان برای دور زدن فیلترینگ یا اتصال به اینترنت مقبولیت می یابد به عنوان محورهایی از یک توطئه از پیش طراحی شده یاد می شود.

ذهنیت آشکارا فاشیستی پرزادندگان این ادعانه مقابله با کاهش شدید سرعت اینترنت کشور از سوی رژیم و قطع ارتباط تلفنی و پیامک را از طریق ارائه سرویس های مستقل ارتباط با اینترنت توطئه می داند. این ادعانه، خبررسانی شبکه های فارسی زبان دولت های غربی در رابطه با درگیری های خونین یک ماه و نیم اخیر را بی هیچ سند و مدرکی به اعتراضات خیابانی مردم و جوانان وصل می کند؛ انواع نهاد های مستقل مدنی را به صرف غیر دولتی بودن آنها بدون هیچ نوع سند و مدرک با بی شرمی تمام به سفارتخانه های خارجی مرتبط می سازد؛ از "براندازی نرم" و "مخملی" نام می برد و در عین حال اتهام بمب گذاری و عملیات مسلحانه و ترور را هم به معترضین نسبت می دهد. و برای پوشاندن اسناد جنایت و آدمکشی پاسداران و بسیجی ها که در فیلم های ویدئویی و گزارش های مستند و عکس ها و تصاویر متعدد به جهان مخابره شده است، پرونده های نامربوط به اعتراضات مردمی علیه کودتای انتخاباتی، نظیر ماجرای بمب گذاری در شیراز را به اعتراضات کنونی سنجاق می کند تا به این ترتیب ثابت کند که این "براندازی نرم" در عین حال "براندازی سخت" هم بوده است.

ثانیاً: اصلی ترین و مهم ترین "سند" ادعانه دادرستان در اثبات یک توطئه از پیش سازمان یافته و وصل حوادث، رخدادها؛ کنش های جدا از هم و نامربوط به یکدیگر و سناریوسازی بر این اساس عبارت است از شلاق و شکنجه قربانیان. ذهنیت فاشیستی و توطئه پرداز ادعانه دادرستان هیچ سند و مدرکی جز گوشت و پوست و استخوان قربانیان اسارتگاههایش برای اثبات وجود یک توطئه سازمان یافته در جهت انقلاب مخملی در اختیار ندارد. و این قربانیان کسانی هستند که برخی از آنها بیش از یک ماه برای اعتراف گیری و اقرار به ایفای نقش در چهارچوب این سناریو در اختیار بازجویان و شکنجه گران بوده اند. به عبارت دیگر همه ادعاهای دادرستان فقط با زور و شکنجه قرار است از زبان قربانیان بیرون کشیده شود. دادگاهی که اقرار به ضرب شکنجه بدون برخورداری از وکیل انتخابی و حق دفاع آزاد و بدور از اعمال فشار برگزار می شود از کمترین ارزشی برخوردار نیست و تنها سببیت و درنگی کودتاچیان را به نمایش می گذارد و سند جدید رسوایی آنان است.

ثالثاً: حتی اگر فرض و فقط فرض کنیم که اتهامات وارده به دستگیرشدگان درست است؛ فرضی که به هیچ رو مستند و واقعی نیست؛ باز هم ادعانه دادرستان عامل رسوایی همین کودتاچیان است. راستی این چه نظام جهانی است که نزدیک ترین و مومن ترین افراد و عناصرش، دولتمردان پیشین اش، کارگزارانش که سالها خالصانه به آن خدمت کرده اند و در رکابش شمشیر زده اند گروه گروه جاسوس آمریکا و انگلیس و "مخملی" و مامور خارجی از آب درمی آیند؟ این چه کارخانه ای است که اصلی ترین تولیداتش جاسوس است و شب و روز دارد "دشمن" و "عامل استکبار" تولید می کند؟ چقدر تباهی و جنایت در این نظام جهانی لانه کرده است که مدیران مومن به آن، "شناسنامه" های حکومتی اش، وزرا و روحانیونی که سنگ بنای موجودیت آن بوده اند، ترجیح می دهند بروند انقلاب مخملی بکنند؟ و بروند جاسوس بشوند؟

خامساً: ادعانه فاشیستی دادرستان رژیم کودتا یک فرادستی ناشیانه و عقیم است برای پنهان کردن توطئه از پیش طراحی شده کودتاچیان و بس. آنها با این محاکمات و این ادعانه می خواهند پنهان کنند که هدف این کارشان، توجیه تصفیه خونین یک جناح حکومت، ایجاد محدودیت بسیار شدید برای حق رقابت میان معتقدان به نظام در دستیابی به پست های دولتی از طریق

انتخابات، از میان برداشتن امکان بهره برداری مردم از انتخابات به عنوان وسیله ای در مداخله میان اختلافات حکومتی و تحمیل یک رژیم امنیتی و نظامی یک دست تر بر مردم است که عریان تر و وحشی تر از همیشه به سرنیزه متکی است. اما توطئه گران هر قدر هم که سناریوسازی کنند و ادعاهای سخیف و سراپا دروغ بسازند، این حقیقت را نمی توانند از مردم پنهان کنند.

پیکر امیر جوادی فر و آثار شکنجه بر آن از زبان یک شاهد عینی



پیکر امیر جوادی فر، دانشجوی ۲۴ ساله دانشگاه قزوین که در اعتراض های ۱۸ تیر ماه بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود، روز دوشنبه به خاک سپرده شد.

به گفته یکی از شاهدان عینی، بر جسد امیر جوادی فر، آثار شکنجه های جسمی، از جمله کشیده شدن ناخن های پا، شکستگی دندان، و ضرب دیدگی های شدید، دیده شده است.

امیر جوادی فر، در یکی از کوچه های محدوده امیرآباد توسط بسیجی ها به شدت کتک خورده بود و حدود ۱۲ نفر بسیجی کتکش زده بودند، چشمش آسیب دیده بود و دستش و سرش شکسته بود.

یکی از دوستان امیر در پاسخ به این سؤال که آیا امیر فعالیت سیاسی داشته است میگوید: در این شرایط سؤال سختی از من می پرسید، چون امیر را دقیقاً یک ساعت و نیم پیش در بهشت زهرا به خاک سپردیم، درحالی که جنازه او تقریباً متلاشی شده بود، سرش را که شکسته بود از ته تراشیده بودند، یک چشمش تقریباً له شده بود، تمام ناخن های پایش را کشیده بودند، تمام تنش کبود بود و دندان هایش و فکش شکسته بود. در کالبد شکافی هم کمر و سینه اش را شکافته بودند.

امیر اصلاً سیاسی نبود. او ترانه سرا بود و در موسسه «کارنامه» دانشجویی بازیگری و در دانشگاه قزوین دانشجوی مدیریت صنعتی بود. من یادم نمی آید حتی یک ترانه سیاسی هم گفته باشد، پر از شور زندگی بود، از سیاست دور بود و می گفت سیاست را دوست ندارم..... او را در کوچه بن بست دستگیر می کنند و کتک می زنند.

او ادامه میدهد که: جنازه امیر را در ۲۳ تیرماه یعنی پنج روز بعد از بازداشت به پزشکی قانونی تحویل داده بودند و تازه ۱۲ روز بعد، از مرگش به ما خبر داده اند.

بله به شدت تاکید کردند که مصاحبه نکنیم. هنرمندان زیادی در تشییع جنازه امیر شرکت کرده بودند.

قرار بود امیر را در قطعه ای که دختر نازنین ایران «ندا آقاسلطان» دفن بود، به خاک بسپاریم اما در لحظه آخر قطعه را عوض کردند و او را در کنار کشته شده های سقوط هوایمی پرواز ارمنستان دفن کردیم. ۶ مرداد ۱۳۸۸ رادیو فردا

فوت یک زندانی سیاسی

محمود رحمانی شهروند کرد بعد از آزادی از زندان درگذشت. خبرگزاری هرانا: محمود رحمانی شهروند کرد اهل جوانرود که هشت سال پیش بعد از آوارگی زمان جنگ از کمپ التالش به ایران بازگشته بود توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به اتهام همکاری با احزاب اپوزیسیون کرد به ۱۵ سال و یک روز زندان محکوم شد.

نامبرده به دلیل کهنوت و بیماری از همان سالهای اول در شرایط بد سلامتی قرار گرفت ولی مسولین با مداوای وی در خارج از زندان موافقت نکردند تا اینکه شدت بیماری کلیوی وی به حدی زیاد شد که مسولین زندان وی را که حدود ۷۰ سال سن داشت بعد از تحمل هشت سال از زندان آزاد نمودند ولی متأسفانه نامبرده بعد از دو هفته آزادی از زندان روز جمعه ۹ مرداد ماه در بیمارستان به دلیل شدت بیماری فوت کرد. ۱۵ مرداد ۱۳۸۸

تن خرد شده،

دندان شکسته و شکافی در سینه



پیکر بهزاد مهاجر، دیگر جانباخته جنبش سبز ظهرروز گذشته در بهشت زهرا در کنار سایر جانبختگان به خاک سپرده شد. بهزاد مهاجر، ۴۷ ساله در جریان راهپیمایی مسالمت‌آمیز ۲۵ خرداد ماه امسال مفقود شد و تا زمان تحویل جسد، نشانی از وی در فهرست دادسرای انقلاب، زندان اوین و نیز مراکز درمانی موجود نبود.

مهوش مهاجر، خواهر وی در مصاحبه با روز می گوید: این چه مملکتی است که یک راهپیمایی آرام منجر به کشته شدن عزیزان ما می شود؟ اگر حکومت نظامی برقرار است اعلام کنند که مردم از فلان ساعت بیرون نیایند و گرنه در یک راهپیمایی آرام که هیچ گونه شعاری داده نشده و مسالمت آمیز بوده، چگونه افراد را به ضرب گلوله از بین می برند؟ روز شنبه من و خواهرم به تهران آمدم و در مراجعه به پزشکی قانونی کهریزک را و شناسایی کردیم.

به گفته خانم مهاجر، "بهزاد از ناحیه سینه و بازو گلوله خورده، دهانش زخم و دندان هایش شکسته بود؛ روی سینه اش هم شکاف بزرگی داشت." وی می گوید: در عکس ها از نیمرخ شبیه برادرم بود اما از روبرو هیچ شباهتی به برادرم نداشت.

خانم مهاجر می افزاید: برادر من آدم بی تفاوتی نسبت به جامعه اش نبود اما زیاد هم سیاسی نبود و خود را درگیر نمی کرد.

۱۳۸۸ مرداد ۱۴

گزارشی از مراسم چهلم بهزاد مهاجر

سایت خبری راه کارگر: مراسم چهلم بهزاد مهاجر با شرکت وسیع مردم، آشنایان و بازماندگانش برگزار شد. این مراسم که در سعادت آباد برگزار شد باحضور مادران جانبختگان اخیر از جمله مادر سهراب اعرابی همراه بود. برگزارکنندگان مراسم با نصب عکسهای مختلفی از سایر شهدا جلوه خاصی به این مراسم داده بودند. حضور ماموران سرکوب رژیم چشمگیر بود. ۶ اگوست ۲۰۰۹

تداوم تجمعات اعتراضی خانواده های دستگیر شدگان جنبش اعتراضی اخیر!

گزیده هائی از اطلاعیه فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران روز یکشنبه ۱۸ مرداد ماه بیش از ۱۰۰ نفر از خانواده های بازداشت شده ها از ساعت ۰۸:۰۰ صبح در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواستار آزادی سریع عزیزان خود بودند چرا که همگی معتقد بودند عزیزانشان بی گناه هستند و تنها به جرم دفاع از آزادی و حق خود بازداشت شده اند. تمامی خانواده ها از بی اعتنائی مسنولان دادگاه انقلاب، قوه قضائیه، دادستانی، زندان اوین به درخواست آزادی و حتی ملاقات عزیزانشان به شدت عصبانی هستند و دانما خامنه ای و احمدی نژاد و شاهرودی را لعن و نفرین می کنند.

در اثر شدت یافتن اعتراضات خشمگینانه خانواده ها دادگاه انقلاب ناچار شد حدود ساعت ۱۰ صبح لیستی که شامل ۲۸ اسم بود برای گذاشتن کفالت و وثیقه اعلام کند. برای اکثر بازداشت شده ها ۱۰ میلیون کفالت تعیین شده است. تعدادی از خانواده ها که نمی توانستند این مقدار کفالت را تهیه کنند و حتی سندی هم نداشتند که جایگزین کنند به این مقدار کفالت اعتراض کردند.

همزمان تعدادی از خانواده های دستگیر شدگان قیام که در حدود ۵۰ نفر بودند به زندان اوین مراجعه کردند و خواستار ملاقات با عزیزانشان و گرفتن خبری از وضعیت سلامتی آنها بودند که تنها جوابی که به آنها داده شد این بود که هر زمان قاضی پرونده اجازه ملاقات بدهد می توانید به ملاقات بیایید. بروید خانه و وقتتان را هدر ندهید زمان ملاقات را خودمان به شما اطلاع می دهیم. خانواده ها اعتراض کردند و گفتند برویم راحت در خانه بنشینیم تا هر بلایی که می خواهید سر آنها بیاورید. امروز همچنین در اثر اعتراضات خانواده ها اسامی تعدادی از بازداشت شده ها توسط زندان اوین به خانواده ها اعلام شد. لیست جدیدی از اسامی کسانی که اخیرا دستگیر شده اند برای ارسال به سازمانهای حقوق بشری و اطلاع عموم انتشار می یابد.

- ۱- علی هاشمی ۳۰ ساله فوق دیپلم پنجشنبه ۱۵ مرداد در تنگ بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- ۲- علیرضا بهرامی ۲۰ ساله دانشجو چهارشنبه ۱۴ مرداد بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- ۳- ساغر محمدی ۲۵ ساله چهارشنبه ۱۴ مرداد بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۴- علی اکبر نادری ۳۶ ساله چهارشنبه ۱۴ مرداد در حوالی بهارستان بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۵- محمد جواد معتمدی ۲۶ ساله لیسانس طراحی چهارشنبه ۱۴ مرداد در بهارستان بازداشت و به کلانتری ۱۶۰ منتقل و سپس به اوین منتقل شده
- ۶- مهدی شایان ۲۱ ساله دانشجو چهارشنبه ۱۴ مرداد در حوالی بازار بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- ۷- امیر میثاقی ۲۳ ساله دانشجوی هنر چهارشنبه ۱۴ مرداد حوالی بهارستان بازداشت و مکان نگهداری وی نامشخص
- ۸- مسعود کریمی نژاد ۲۵ ساله لیسانس علوم تغذیه دوشنبه ۱۲ مرداد در ولی عصر توسط نیروهای لباس شخصی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت و مکان نگهداری وی نامش
- ۹- سید حسین میر طاهری ۲۷ ساله لیسانس تاریخ دوشنبه ۱۲ مرداد در ولی عصر بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۰- کامران نصیری سرکوهی ۱۹ ساله دانشجو دوشنبه ۱۲ مرداد بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۱- محمد رضا هادی پور ۳۱ ساله فوق لیسانس عمران پنجشنبه ۸ مرداد بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۲- محمد یاسری ۲۹ ساله لیسانس مکانیک پنجشنبه ۸ مرداد در تخت طاووس بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۳- کوروش فلاحي ۲۷ ساله پنجشنبه ۸ مرداد در تنگ بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۴- نادر سعادت نیا ۲۵ ساله لیسانس مهندسی پزشکی جمعه ۲۶ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۵- محسن فاطمی نسب ۲۴ ساله دانشجو کامپیوتر جمعه ۲۶ تیر در انقلاب بازداشت و به اوین منتقل شده
- ۱۶- ناصر عظیمی ۲۲ ساله شغل آزاد پنجشنبه ۱۸ تیر در امیر آباد بازداشت و به اوین منتقل شده و در این مدت هیچ گونه تماس تلفنی و ملاقات با

افشای اسامی بانیان در قتل و شکنجه دستگیر شدگان قیام، در زندان کهریزک!

در پی تحقیقاتی که مدتها ادامه داشت تا به اسامی و مشخصات افرادی که در اردوگاه مرگ کهریزک دست به قتل جوانان قیام مردم ایران در زیر شکنجه های قرون وسطایی زده بودند دست یابیم و آنها را شناسایی و در اختیار مراجع بین المللی قرار دهیم تا برای رسیدگی به جنایت علیه بشریت در ایران بکار برده شود.

در اردوگاه مرگ کهریزک که یک سوله مستطیلی شکل در آن ایجاد شده بود و این سوله را قفس بندی کرده اند بودند، مساحت هر قفس در حدود ۳۰ متر مربع میباشد. در هر کدام از این قفسها بین ۴۰ الی ۶۰ نفر جا داده می شد که زندانیان تقریباً فقط قادر به ایستادن باشند. در این سوله در حدود ۲۰۰ نفر از دستگیر شدگان قیام مردم ایران و تعدادی از زندانیان عادی نگهداری می شدند.

به محض ورود به اردوگاه مرگ کهریزک شکنجه دستگیر شدگان قیام مردم ایران آغاز می شد و شبانه روز ادامه داشت. شکنجه کردن و زدن ضربات که معمولاً سر و صورت زندانی و نقاط حساس بدن او را هدف قرار می دادند.

شکنجه گران با استفاده از ابزارهایی مانند باتون، لوله های فلزی، نبشی و شلاق، شکنجه می کردند و بیشتر به سر زندانی می کوبیدند. شکنجه گران در مواردی بر روی زندانیان آب گرم می ریختند که یکی از موارد شکنجه روتین آنها است.

آنها همچنین حکم مرگ افراد را داشتند و خود می توانستند تصمیم بگیرند و به اجرا در بیاورند البته مرگ در زیر شکنجه های سبانه و قرون وسطایی صورت می گرفت و مرگ اکثر جان باختگان بصورت تصادفی نبوده بلکه با طرح، تشخیص و تصمیم قبلی صورت می گرفت. در زیر شکنجه های طاقت فرسا و غیر انسانی که بطور سیستماتیک و علیه تمامی زندانیان صورت می می گرفت، آنها قربانیان خود را انتخاب می کردند و در زیر شکنجه به قتل می رساندند.

بنابراین گفته شده تقریباً در هر ۲۴ ساعت ۲ الی ۳ نفر را به قتل می رساندند که در مجموع کسانی که به قتل رسیده شدند در حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر می باشند. بیکر آنها را لای پتو می پیچاندند و در وانتی قرار می دادند و به سردخانه کهریزک تحویل می دادند.

از جمله جوانانی که در زیر شکنجه به قتل رسیدن می توان نام محسن روح الامینی و محمد کامرانی را نام برد. محسن روح الامینی توسط فردی بنام سروان پاسدار زندی معاون اردوگاه مرگ کهریزک پس از شکنجه روح الامینی می کوبید و در حالی که خون از سر او جاری بود بدستور وی توسط شکنجه گرانی به نامهای سید موسوی و سید حسینی او را مدتها از پا آویزان میکنند. تا زمانی که او جان باخت. محسن روح الامینی با هدف به قتل رساندن شکنجه می شد. با شیوه مشابه محمد کامرانی را به شهادت رساندند.

چند نفر از کسانی که شاهد قتل و شکنجه بودند حاضرند در هر دادگاه بین المللی و هیئت تحقیق بین المللی علیرغم خطر جانی مشاهدات خود را بیان کنند با دلیل و مدارک قابل استناد. آنها همچنین در صورت لزوم می توانند با خانواده های قربانیان به عنوان شهود در هر دادگاه مسؤل شرکت کنند. به شرط تامین جانی آنها.

کسانی که در شکنجه و قتل جوانان قیام مردم ایران مسقما نقش داشتند و تا به حال منجر به مرگ تعداد زیادی از جوانان شده است، احمد رضا رادان، عامریان (عامری) معاون رادان، کشمیری (از دستیاران رادان)، حقی فرمانده گارد، کومیجانی رئیس بازداشتگاه کهریزک، سروان پاسدار زندی معاون اردوگاه کهریزک، پاسدار سید موسوی قاتل (محسن روح الامینی)، افسر پاسدار سید حسینی افسر نگهبان زندان کهریزک و ۸ نفر از افراد گارد که با نقاب ندانیان را مورد شکنجه قرار می دادند.

احمد رضا رادان به اتفاق تعدادی از همدستانش مانند کشمیری، عامریان (عامری) و حقی با هلی کوپتر چند روز در هفته به کهریزک می آیند و زندانیان را خود مورد شکنجه های وحشیانه و تحقیر قرار می دهد. احمد رضا رادان خطاب به زندانیان گفت: در دنیا اول اینجا است زندانی که زندانی را آدم می کنیم بعد ابوغریب و گوانتاتامو.

خانواده خود نداشته است

۱۷- خسرو انتظامی ۲۸ ساله لیسانس فیزیک پنجشنبه ۱۸ تیر در امیر اباد بازداشت و به اوین منتقل شده

سعید مرتضوی جنایتکار علیه بشریت، که با مسخ کردن کلمه قضاوت با حکم قضائی وی دستگیر شدگان قیام به اردوگاه مرگ کهریزک و سایر شکنجه ها فرستاده می شدند که تا به حال منجر به جان باختن تعدادی از آنها در زیر شکنجه و همچنین وادار کردن دستگیر شدگان به اعترافات تلویزیونی در زیر شکنجه و پرونده سازی علیه آنها می باشد، اتهامات ساختگی را تحت عنوان کیفر خواست به دادگاهی که رئیس آن صلوتی از قاضیهای وزارت اطلاعات است ارسال کرد.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، جنایتهای سیستماتیک که شامل قتل زیر شکنجه، شکنجه های قرون وسطایی، پرونده سازی، گرفتن اعترافات تلویزیونی در شکنجه گاهها و زیر شکنجه و ادامه بازداشت دستگیر شدگان را محکوم می کند و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل که حفظ و حراست از قوانین حقوق بشر وظایف اولیه آنها است. خواستار اعزام یک هیئت تحقیق برای بررسی جنایت علیه بشریت در زندانهای ایران و معرفی آمرین و عاملین این جنایتها و تحت پیگرد بین المللی قرار دادن آنها است. ۱۸ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۹ اگوست ۲۰۰۸

اعدام دسته جمعی ۲۴ نفر در کرج

ایران با استناد به موازین شرعی از مجازات اعدام دفاع می کند به گزارش منابع خبری ایران روز پنجشنبه هفته گذشته ۲۴ نفر به طور همزمان در زندان رجایی شهر کرج به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام شده اند.

نه تنها هویت این افراد فاش نشده بلکه خبر اعدام آنها نیز ظاهراً پس از گذشت پنج روز از زمان اجرای حکم اعلام شده است.

محمود سالارکیا، معاون دادستان تهران در امور زندان ها، روز ۱۳ مرداد گفت: "روز پنجشنبه (۸ مرداد) ۲۴ قاچاقچی بین المللی مواد مخدر در زندان رجایی شهر کرج به دار آویخته شدند." وی افزود که تقاضای عفو این افراد رد شد و حکم اعدام آنها توسط دیوان عالی کشور تایید شده بود.

اینگونه اعدام ها در گذشته بارها مورد انتقاد گروه های حقوق بشر و کشورهای غربی قرار گرفته است.

حدود یک ماه قبل در روز چهارم ژوئیه نیز ۲۰ زندانی در همین زندان در کرج اعدام شدند که جرم آنها نیز قاچاق مواد مخدر اعلام شده بود و با واکنش منفی اتحادیه اروپا روبرو شد که خواستار لغو اعدام شده است. سازمان مدافع حقوق بشر موسوم به "عفو بین الملل" اخیراً در گزارش سالانه خود ایران را "یکی از پیشگامان اجرای مجازات اعدام" خواند و ایران را تنها کشوری دانست که به اعدام مجرمان نوجوان یعنی کسانی که پیش از ۱۸ سالگی به دلیل ارتکاب جرم محکوم شده اند و همچنین اجرای حکم سنگسار ادامه می دهد.

این سازمان در گزارش سال ۲۰۰۸ خود شمار موارد اعدام در ایران را بیش از ۳۴۶ مورد برآورد کرد و در فهرستی از وضعیت اجرای مجازات مرگ در جهان، ایران را پس از چین، در رتبه دوم قرار داد.

تلاش برای منسوخ ساختن مجازات اعدام با استناد به منشور جهانی حقوق بشر صورت می گیرد اما ایران نه تنها برنامه ای جهت لغو مجازات اعدام ندارد، بلکه با استناد به موازین شرعی از مجازات اعدام دفاع می کند. ۶ اگوست ۲۰۰۹

حمله به مراسم چهلم کیانوش آسا و بازداشت بیش از ۱۰ نفر از شرکت کنندگان

کردانه: حمله ای نیروهای انتظامی به شرکت کنندگان در مراسم چهلم کیانوش آسا و بازداشت بیش از ۱۰ نفر از شرکت کنندگان

امروز به مناسبت چهلم شهید کیانوش آسا از ساعت ۵:۳۰ تا ۷ در کرمانشاه، تالار عباسیه (مقابل دارایی) مراسمی برگزار شد. مردم کرمانشاه از طیف های مختلف با حضور گسترده خود در این مراسم با در دست داشتن شاخه های گل یاد کیانوش را گرامی داشتند. نیروهای انتظامی تاب تحمل این حرکت مدنی مردم را نداشتند و با حمله به این مراسم و پاشیدن گاز فلفل به چشم مادر و خواهر کیانوش و مردم شرکت کننده، ۱۰ نفر از آنها را دستگیر نمودند. ۱۵ مرداد ۱۳۸۸

حکومت نظامی

اعلام نشده در بعضی از مناطق شهر تهران

بنابراین گزارشات رسیده از مناطق مرکزی شهر تهران، به مناسبت نیمه شعبان تعداد زیادی از مردم این مناسبت مذهبی را تبدیل به اعتراض عمومی کرده اند در مناطق مرکزی شهر تجمع کردند که با یورشهای وحشیانه نیروهای سرکوبگر مواجه هستند.

تعداد زیادی از مردم در مناطق مرکزی و بعضی از مناطق جنوبی شهر تجمع کرده اند. آنها در میدانی و خیابانهای اصلی تجمع کرده اند. در حال حاضر در میدان انقلاب میدان ولی عصر، میدان فاطمی، میدان امام حسین، ونک، خیابان آزادی خیابان ولی عصر تعداد زیادی از مردم به خیابانها آمده اند و نیروهای سرکوبگر را غافل گیر کرده اند.

در میدان انقلاب نیروهای گارد ویژه و بسیج به مردم یورش می برند تا به حال به بیش از ۱۶ نفر با باتون حمله کردند و آنها را بشدت مورد ضرب و شتم قرار داده اند اکثر کسانی که مورد ضرب و شتم قرار می گیرند دختران و پسران جوان هستند.

ماشینها به عنوان اعتراض اقدام به بوق زدن می کنند و ترافیک سنگینی را ایجاد کرده اند نیروهای لباس شخصی با باتون به شیشه های ماشینها می کوبند که تا به حال حداقل شیشه های جلوی ۲ ماشین مورد اصابت باتونها قرار گرفته است و شکسته شده از طرفی دیگر مردم نیروهای سرکوبگر را هو می کنند و ماشینها به بوق زدن خود ادامه میدهند. گزارشهای مشابهی از نواحی جنوبی شهر تهران میرسد.

نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها بصورت گسترده و انبوه در شهر حضور دارند. این بار نه تنها نقاط مرکزی شهر را بلکه مناطق جنوبی شهر را هم به اشغال خود در آورده اند. در حال حاضر میدان امام حسین و خیابانها منتهی به آن را مملو از نیروهای سرکوبگر می باشد.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
۱۵ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۰۶ آگوست ۲۰۰۹

بازداشت دهها نفر در بهارستان



دهها تن در تجمع آرامی که مقابل مجلس شورای اسلامی همزمان با مراسم تحلیف شکل گرفته بود دستگیر شدند.

علی رغم تکذیب خبر بازداشت توسط مقامات نیروی انتظامی، شاهدان عینی گفتند عدهای از معترضان بازداشت شدهاند و عده بسیاری نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتهاند.

یکی از این بازداشت شدگان دختری به نام فهیمه اسدی، ۲۸ ساله است. یکی از دوستان او که شاهد قضیه بوده با بیان این مطلب گفته است: «فهیمه مانند افراد دیگری که در محل بودند صرفا به صورت آرام تجمع کرده بود و وابسته به هیچ حزب و گروهی نبود».

خانواده این فرد گفتند که تا لحظه تنظیم این خبر، خبری از محل دخترشان ندارند. سایت خبری اندیشه

۱۵ مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۶ آگوست ۲۰۰۹

علی خامنه ای ولی فقیه روز سه شنبه ۶ مرداد ماه دستور بسته شدن بازداشتگاه کهریزک را صادر کرد زیرا، بگفته وی در آنجا معیارهای لازم برای حفظ حقوق بازداشت شدگان وجود ندارد. این در حالی است که در این اردوگاه مرگ، دهها نفر به قتل رسیدند و صدها نفر در اثر شکنجه دچار صدماتی شدند و تا پایان حیاتشان اثرات جسمی و روحی آنرا با خود خواهند داشت. علی خامنه ای که افراد فوق مجری فرامین وی بوده اند. او از ترس به محاکمه کشاندن آنها و افشای نقش خود، اقدام به بستن شتاب زده و از بین بردن آثار جرم نمود و افراد فوق را برای ادامه جنایت علیه بشریت به شکنجه گاههای دیگری منتقل کرده است.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، جنایت های قرون وسطانی که در اردوگاه مرگ کهریزک توسط بالاترین مقامات انتظامی که مجریان دستورات علی خامنه ای ولی فقیه هستند را به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم می کند و از دبیر کل و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواستار ارسال هیئت تحقیق برای بررسی جنایتهای که در این بازداشتگاه و سایر بازداشتگاهها صورت می گیرد می باشد و تحت پیگرد بین المللی قرار دادن آمرین و عاملین آن است.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران
15 مرداد ۱۳۸۸ برابر با ۶ آگوست ۲۰۰۹
گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

دفتر دبیرکل سازمان ملل
کمیسیاری عالی حقوق بشر
کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا
سازمان عفو بین الملل
سازمان دیدبان حقوق بشر

آرمان استخریان نو

جوانی که در شیراز کشته شد

خبرگزاری هرانا: آرمان استخریان ۱۶ ساله فرزند احمد، از کشته شدهگان حوادث پس از انتخابات که در سوم تیرماه بر اثر شدت ضربه ای وارده جان خود را از دست داده است.

آرمان استخریان جوان ۱۶ ساله ای که در تجمع سوم تیرماه شیراز حضور داشته است. این تجمع به درگیری بین نیروهای بسیج و لباس شخصی با مردم می انجامد. در این درگیری استخریان مضروب و به بیمارستان نمازی شیراز منتقل می شود. وی در حدود ۱۷ روز در کما بوده و پس از فوت، جسد وی پس از سه روز به صورت مشروط به خانواده تحویل داده شد. در پرونده پزشکی علت فوت تصادف ذکر شده است در حالی که شاهدان عنوان می دارند روز واقعه به علت حجم بسیار بالای جمعیت و همین طور درگیری های جاری اساسا امکان حرکت و حضور اتومبیل در منطقه درگیری وجود نداشته است. وی به همراه یکی از بستگان خود در این تجمع حضور داشته است.

پس از تحویل جسد به خانواده ای استخریان، نیروهای امنیتی امکان برگزاری هرگونه مراسم را به خانواده نمی دهند و این خانواده تحت فشار مجبور می شود حتما منزل مسکونی خود را در منطقه فخرآباد شیراز ترک کند، همچنین نیروهای امنیتی تمامی پارچه نوشته ها و دسته گل های ارسالی را جمع کرده و با خود بردند.

پدر آرمان استخریان از زندانیان سیاسی سابق بوده که در سال های گذشته ۱۰ سال در زندان بوده و دو سال پیش از دنیا رفته است. ۱۷ مرداد ۱۳۸۸

درگیری شدید و تیر اندازی در

خیابان دامن شهرک غرب

از ساعت یک ربع به یازده در خیابان دامن به شدت درگیری رخ داده. از طرف دولت مراسم جشنی در پارک دامن برگزار شده بود، که به مردم شیرینی و شربت میدادن. در طرف دیگر خیابان دامن عده ای از مردم در حال رقص و پایکوبی برای مقابله با این جشن بودن. هم اکنون که ساعت یازده و نیم (بوقت ایران) شده، تقریبین صدای تیراندازی کمتر شده ولی صدای موتور سواران شنیده میشود. ۱۵ مرداد ۱۳۸۸-۶ آگوست ۲۰۰۹

تجاوز جنسی

در زندان های ولایت مطلق فقیه!

قبل از نامه کرویسی سازمان عفو بین الملل در مورد

تجاوز جنسی در بازداشت گاه های رژیم هشدار داده بود.

حسین کرویسی فرزند مهدی کرویسی در رابطه با انتشار علنی این نامه توضیحاتی به شرح زیر ارائه داده است: پدرم این نامه را حدود ۱۰ روز پیش خطاب به آقای هاشمی نگاشت و آن را برای ایشان به طور خصوصی ارسال کرد. ایشان تاکید داشت آقای هاشمی حتما به این نامه پاسخ دهد و اقدام لازم را انجام دهد. متأسفانه آقای هاشمی پاسخی به نامه ایشان نداد. پدرم تاکید کرده بود اگر تا ۱۰ روز پاسخی به نامه داده یا اقدامی صورت نگیرد، نامه را منتشر می‌کند.

حسین کرویسی درباره مسائل مطرح شده در نامه، گفت: "اساس نامه، بر نگرانی آقای کرویسی استوار است. ایشان نگران آنچه گروه‌های بیگانه و غربی درباره نحوه رفتار با بازداشت‌شدگان بیان می‌کنند، هست. این روزها بسیاری از افرادی که آزاد شده‌اند، به دیدار پدرم آمده و ماجرای رفتاری را که ضابطان و ماموران با آنها داشتند، برای وی بیان کرده‌اند. آنها آنچه را دیده و شنیده به دقت گفته‌اند."، "آنچه در نامه آمده، نه تنها دغدغه و نگرانی آقای کرویسی است، بلکه من فکر می‌کنم هر کس که این شایعات را خصوصا درباره وضعیت زنان و اتفاقاتی که درباره آنها در حال انجام است، می‌شنود، نگران می‌شود."

مهدی کرویسی نامزد دوره دهم ریاست جمهوری در ایران، در این نامه نوشته است که چندی پیش نیز در این خصوص "همین نکات را به وزیر معزول اطلاعات یادآور شده که روز شنبه در مطبوعات منتشر شد". علاوه بر این، مصراغه از هاشمی رفسنجانی خواسته است که "روی این قضیه اقدام" نماید.

مهدی کرویسی این نامه را بگونه ای تنظیم نموده است که توگویی علی خامنه ای از اینکه "تجاوز جنسی به شهروندانی به اسارت گرفته شده در رژیم اسلامی سابقه ای دیرین دارد. آنها شکنجه دختران باکره را با تجاوز به آنها در شب قبل از اعدام تکمیل میکردند و با کثیف ترین و خبیث ترین نوع تفسیر مذهبی از "به بهشت رفتن دختران باکره"، برای این جنایت ضد بشری "توجیه شرعی" درست میکردند." بی خیراست، لذا به رفسنجانی توصیه نموده است که "به صورتی که صلاح می‌دانید با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح فرمایید".!

هر چند که به کارگیری حداعلای ظرفیت نیروهای امنیتی در اعمال خشونت برای سرکوب اعتراضات مردمی، بسیاری از اعمال رژیم را که قبلا فقط بخشی از جامعه از آن مطلع بودند از پرده بیرون انداخته و ماهیت ضدانسانی رژیم را عیان در برابر نظر جهانیان قرار داده است، اما، نامه مهدی کرویسی بعنوان یکی از صاحب منصبان این نظام که اکنون خود مورد ستم قرار گرفته، حاوی افشاگری هانی است که نشان میدهد که ندان گرگ به استخوان رسیده است. لذا آگاهی بر آن، میتواند عمق جنایات رژیم را از زاویه دید مهدی کرویسی نیز برملا نماید. گزیده هانی از نامه مهدی کرویسی به هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری به این شرح است:

با سلام و احترام

بعد از برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، حوادث تلخی به وجود آمد که به طور مفصل در خصوص آن، هم از سوی جنابعالی، هم از سوی افراد، گروه‌ها و رسانه‌های مختلف به آن پرداخته شد.

از دستگیری‌های بی حساب و کتاب، از ضرب و شتم و وارد کردن جراحات تا شهادت فرزندان این کشور، از حمله به خانه‌های مردم تا فاجعه خونین کوی دانشگاه و برخوردهای خشن و وحشت‌انگیز حتی با خانم‌ها در سطح خیابان‌های شهر- که تاکنون سابقه نداشته است- رخ داد که بسیار قابل تامل و پیگیری است. آنچه در این میان مطرح است در خصوص برخی از رفتارهای شناخت‌آمیز است که اگر به طور متواتر از افراد مختلف که در روزهای اخیر آزاد شده‌اند، شنیده بودم، باورشان حداقل برای من و شما که در طول قریب به نیم قرن سردی و گرمی روزگار را چشیده‌ایم سخت بود.

از برخوردهای خشن و بی‌محابا، بر سر مردم باتوم را خرد کردن، آنچنان که بعد از گذشت قریب به ۴۰ روز همچنان اوضاعشان غیرعادی است و عوارض آن روی بدنشان قابل مشاهده است.

هتاک و ابراز دشنام و فحاشی رکیک به افراد و تثار نوامیس بازداشت‌شدگان و مردمی که برای نماز جمعه آمده بودند صورت گرفت.

..... نشان‌دهنده آن است که افرادی برای این کار استخدام شده‌اند که حتی با اصول بدیهی اسلام آشنایی ندارند و البته شایعاتی نیز مطرح شده که فعلا به آن نمی‌پردازم.

اما موضوعی را شنیده‌ام که هنوز از آن بر خود می‌لرزم. در دو روز اخیر که این خبر را شنیده‌ام خواب از سرم ربوده شده است. حدود ساعت دو که خود را برای خواب آماده می‌کردم، به بسترم رفتم ولی خدا شاهد است که بدون ذره‌ای مبالغه، خوابم نبرد، تا ساعت ۴ بامداد که مجددا بلند شدم کمی قرآن خواندم، دوش گرفتم تا آب کمی آرام کند، حتی نماز صبح را نیز خواندم و تا نزدیکی‌های طلوع آفتاب خوابم نبرد.

افرادی این مطالب را به من گفته‌اند که دارای پست‌های حساس در این کشور بوده‌اند. نیروهای نام و نشان داری که تعدادی از آنها نیز از رزمندگان دفاع مقدس بوده‌اند. این افراد اظهار داشته‌اند، اتفاقی در زندان‌ها رخ داده است که چنانچه حتی اگر یک مورد نیز صدق داشته باشد، فاجعه‌ای است برای جمهوری اسلامی که روی بسیاری از حکومت‌های دیکتاتور از جمله رژیم ستمشاهی را سفید خواهد کرد.

گمان نمی‌کنم زندانیان دوران ۱۵ ساله مبارزات قبل از انقلاب که از افراد توده گرفته تا گروه‌های مسلح مبارز التقاطی تا اعضای نهضت آزادی و متولفه و حزب ملل اسلامی که در زندان با هم زندگی کرده‌اند، دیده یا شنیده باشند.

[جناباتی که] همین جامعه امروز و توسط خود بچه‌های بازداشتی در رسانه‌ها و سایت‌ها در حال مطرح شدن است..... و شنیده‌ام تهدید شده‌اند که اگر مطلبی در این خصوص بیان نمایند، نابود خواهند شد.

جناب آقای هاشمی

اینجانبآماده‌ام مسوولیت تحقیق و بررسی جهت تعیین صحت و سقم این حوادث و اخبار رسیده را بر عهده بگیرم .

اما موضوع مطرح شده از این قرار است:

عده‌ای از افراد بازداشت‌شده مطرح نموده‌اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده‌اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است. از سوی دیگر افرادی به پسرهای جوان زندانی با حالتی وحشیانه تجاوز کرده‌اند به طوری که برخی دچار افسردگی و مشکلات جدی روحی و جسمی گردیده‌اند و در کنج خانه‌های خود خزیده‌اند.

با توجه به اهمیت مساله انتظار است این اقداممورد بررسی و پیگیری تا حصول نتیجه قرار گیرد. تا درسی برای آیندگان شود و فرصت به ارادل و اوباشی از این دست ندهد به عنوان آخرین مطلب نیز یادآور می‌شوم از این نامه دو نسخه تهیه گردیده که یکی مهر و موم شده برای جنابعالی ارسال و دیگری نزد بنده قرار دارد.

مهدی کرویسی ۱۳۸۸/۰۷



برخی از اتهامات

ادعا نامه "دادستان" بیدادگاههای اخیر رژیم :

- * تاکید بر ضرورت حضور بیگانهگان و ناظرین انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران.
- * تاکید بر ضرورت ابطال انتخابات.
- * ارتباط یکی از عناصر فعال ستاد ۸۸ (متمم؛ آقای رضا رفیعی) با دفتر ویژه امور ایرانیان در دبی و خاتم جیلیان برنز به عنوان افسر اطلاعاتی آمریکا.
- * استمرار اغتشاشات و تجمعات غیر قانونی (به ویژه پس از اقامه نماز جمعه تاریخی مورخ ۸۸/۳/۲۹ ..
- * تعدادی از متهمین صراحتاً معترف هستند که در جریان تجمع غیر قانونی طرفداران آقای موسوی در بهارستان الکس پینفیلد دبیر اول سیاسی سفارت [انگلیس] از آنها درخواست داشته که به میدان بهارستان رفته و مشاهدات خود را گزارش کنند.
- * معرفی سپاه و بسیج به عنوان عناصر کودتای نظامی و ضرورت حذف و خروج نیروهای مذکور از صحنه.
- * بزرگنمایی اختلاف در سطوح مختلف جامعه.
- * تشدید فشارها با هدف استعفاي رئیس جمهور.

برخی از اظهار نظرها

در رابطه با توأب سازی های اخیر و برپایی بیدادگاههای اخیر رژیم

حسینعلی منتظری :

این گونه اقرارها و اعتراف گیری ها که متأسفانه سالهاست در جمهوری اسلامی رائج شده و در زندان های غیر قانونی و در شرایط کاملاً غیرعادی و با فریب و تهدید زندانی و قطع نمودن رابطه او با واقعیت های جامعه و با وارد نمودن فشارهای روحی و جسمی گرفته می شود.... چرا کاری می کنند تا مردم دادگاههای آنها را با دادگاههای استالین و صدام و سایر دیکتاتورها مقایسه نمایند؟ کشور متعلق به همه مردم است و آنان حق دارند به وسیله تجمعات آرام و جراند و حتی رادیو و تلویزیون نظرات خویش را ابراز نمایند.

هاشمی رفسنجانی (مجمع تشخیص مصلحت نظام) :

در بیان مطالب و همچنین اعتراف گرفتن از بازداشت شدگان اخیر برای خوشایند يك جریان خاص، اصل و اساس نظام را زیر سوال نبریم.

جبهه مشارکت ایران اسلامی :

این دادگاه رسوا، بی خاصیت و منزجرکننده است. از این نمایش ها طرفی نخواهند بست و توجهی برای اعمال و رفتار مجرمانه و کشتارها و خشونت های اخیر آنها علیه ملت فراهم نخواهد شد. فکری به حال پاسخ گویی تان در برابر دادگاه ملتی کنید که برای استیفاي حقشان در برابر باتوم و گلوله های تان سینه سپر کرده اند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران :

این دادگاه رسوا، بی خاصیت و منزجرکننده است. این نمایش را اقدامی غیر قانونی و مغایر با بیدیهی ترین موازین قضایی می داند. ... اعترافات و اقراریه متهمان را که در شرایط نامعلوم و نگهداری در سلول های انفرادی و بی خبری مطلق متهمان از دنیای خارج و محرومیت آنان از اخبار و اطلاعات و داشتن وکیل و حتی ملاقات با خانواده بوده است، مصداق بارز اعتراف تحت فشار و شکنجه دانسته از اساس بی اعتبار می داند..... که فرجامی جز از دست دادن اعتماد ملی و قرار دادن کشور در سرانحیسی سقوط نخواهد داشت.

محسن آرمین عضو شورای مرکزی و شورای سیاسی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران:

هیچ ارتباطی با بیگانهگان نداشته و ندارم، تاکنون هیچ پولی از محافل بیگانه دریافت نکرده ام، نه به انقلاب مخملی معتقدم و نه به براندازی نظام و تنها خواهان اجرای قانون اساسی و قرار گرفتن همگان در چارچوب قانون هستم.

به صراحت اعلام می کنم به آنچه در قالب بیانیه ها و مواضع فکری و سیاسی سازمان متبوعم تاکنون منتشر شده و آنچه تاکنون شخصاً گفته یا نوشته ام اعتقاد راسخ دارم.

خواهان اجرای قانون اساسی.... بازگرداندن کشور به مسیر اصلاحات، رعایت حقوق شهروندی و توقف خودکامگی و قانون شکنی... هستم. اگر به ابتلا و فتنه بی که دوستان و برادرانم گرفتارند، دچار شوم، از هم اکنون اعلام می کنم اگر سخنی برخلاف آنچه گذشت از بنده شنیده شد، اعتقاد و باور این حقیر نبوده و تحت شرایط ویژه زندان و به اکراه و اجبار بدان اقدام کرده ام.

از تمام همفکرانم در جمع فعالان سیاسی می خواهم به اقدامی مشابه دست بزنند با چنین اقدامی ممکن است زندان و حبس در انتظار ما باشد، اما این حربه کثیف و غیرانسانی در این کشور برای همیشه بی اثر و ریشه کن خواهد شد.

.....

- * برنامه ریزی و طراحی به منظور فروپاشی و براندازی نرم در کشور.
- * براساس ادبیات جاسوسی غرب؛ تغییر افکار؛ زیربنای تغییر رفتار و نهایتاً "تغییر ساختار کشور.
- * دموکراسی سازی.
- * ایجاد ناامنی های داخلی و تشدید اختلافها.
- * سازماندهی مخالفان با هدف نافرمانی مدنی..
- * ایجاد ناامنی و به چالش کشاندن نظام و در قالب پیاده نظام و ستون پنجم دشمنان.
- * تبلیغ و ترویج ضرورت تغییر سیاسی نظام.
- * تقویت مالی نیروهای مخالف داخل نظام؛ بصورت پنهان، توسط دشمنان نظام.
- * جذب و توانمندسازی مراکز و افراد و اقشار مؤثر در جامعه مانند زنان، جوانان، NGO ها و ... در جهت نیل به اهداف معین .
- * وادار نمودن دولت به جهت گیری های مورد نظر آنان از طریق فشارهای مردمی.
- * ایجاد فضای عدم اعتماد نسبت به مسئولان نظام و اختلال در فرایند تصمیم گیری.
- * انحراف افکار عمومی جامعه از منافع و اصول نظام.
- * ایجاد اختلاف در گرایش های مختلف جامعه و تفرقه و جدایی میان مردم و حاکمیت.
- * انشقاق در گروه های فکری، قومی، مذهبی و ... با هدف اختلال در وحدت ملی.
- * ضرورت تاکید بر وجود نظارت بین المللی بر انتخابات.
- * افشای موارد نقض حقوق بشر.
- * حمایت از اصلاح طلبان توسط غربی ها.
- * تخصیص بودجه در جهت حمایت مالی از فعالیت های مورد نظر غرب در داخل ایران.
- * برگزاری دوره های آموزشی در خارج از کشور.
- * فعال شدن سایت های اینترنتی و رسانه های با هدف اطلاع رسانی و ساماندهی افکار بر اساس اهداف و برنامه های مورد نظر.
- * برنامه ریزی جهت تغییر افکار و تغییر رفتار با هدف تغییر در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران .
- * سترسازی جهت افزایش ناامیدی نسبت به آینده و برنامه های اجرایی در کشور.
- * تبادل و همکاری اطلاعاتی با سایر سازمان های جاسوسی جهت بهره برداری از اطلاعات و امکانات آنها.
- * تحریک و هدایت مردم جهت گسترش دامنه اعتراضات.
- * بررسی و امکان سنجی فضای موجود در کشور بمنظور ایجاد خلل در روابط میان مردم و نخبگان با مقام معظم رهبری و ولایت فقیه .
- * تلاش جهت کاهش حمایت های مردمی از نظام جمهوری اسلامی ایران (در داخل و خارج از کشور).
- * بهره برداری از پتانسیل مردمی بمنظور نیل به اهداف مورد نظر مانند: ایجاد بی اعتمادی و دامن زدن به اعتراضات مردمی.....
- * تلاش جهت تشدید شکاف میان مردم و حاکمیت، بهره برداری از اختلافات داخلی...
- * بسترسازی در راستای اجرای پروژه براندازی نرم.
- * فعال نمودن پروژه ایجاد بحران های داخلی..
- * تمرکز بر عملیات روانی، شایعه پراکنی، جریان سازی و تبلیغ ناکارآمدی نظام اسلامی.
- * هدایت سازمان های غیردولتی و جریانات مخالف نظام جهت نظارت به نیابت از آمریکا بر روند انتخابات.
- * تاکید بر بروز تقلب و عدم اطمینان به سلامت برگزاری انتخابات در ایران (حدوداً ۱۰ روز قبل از روز رای گیری).
- * تحریک و زمینه سازی برای حرکت های خشونت آمیز داخلی و نافرمانی مدنی و زمینه سازی برای وقوع آشوب های خیابانی و ایجاد ناامنی و تخریب و اغتشاش.
- * تلاش جهت اتهام سازی و جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران.
- * ارتباط گیری [ماموران دول غربی] با برخی نخبگان، احزاب و شخصیت های سیاسی به منظور جمع آوری اطلاعات و آماده سازی آنها جهت همکاری با سرویس آن کشور.
- * تضعیف جایگاه ولایت فقیه.
- * ایجاد انشقاق در صفوف یکپارچه ملت و تضعیف حمایت مردمی از اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی .
- * گسترش فضای اختلاف میان جریانات، احزاب و شخصیت های سیاسی.
- * به چالش کشاندن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران.
- * تلاش جهت اثبات ناکارآمدی نظام در ایجاد دموکراسی، برگزاری انتخابات سالم.

مردمی از جنس لباس شخصی های

فوادشمس

"هنگامی که اوایل انقلاب گروه‌های الحادی در کشور وجود داشتند و یا زمانی که مارکسیست‌ها در میدان آزادی تجمع می‌کردند، این مردم بودند که به مقابله با آنان می‌پرداختند و اصلاً حاکمیت نیروهای نظامی را به خیابان نمی‌آورد."'

این سخنان نه از زبان یکی از مسنولان امنیتی و نظامی و نه از زبان حامیان دولت احمدی نژاد و نه از زبان اصول‌گرایان محافظه‌کار، بلکه از زبان شیخ والشیوخ "تغییرات" و فردی که گویا قرار بوده است "اعتماد ملی" ایرانیان را بازسازی کند، خارج شده است. کسی که می‌خواست "تغییر" آن هم فقط "برای ایران" به وجود بیاورد. فردی که به ادعای حامیان رسانه‌ای و لایه‌هایی از حامیان روشنفکری و فعالان دانشجویی منادی یک "تغییرات" جدی برای رسیدن به آزادی‌های بنیادین است. این فرد کسی نیست جز "شیخ مهدی کروبی"!

شاید در این روزگار نقد نوشتن بر شیخ مهدی کروبی کار سختی باشد. چون او لا گویا ایشان یکی از قهرمانان "تغییر برای ایران" هستند. از طرف دیگر گویا هرگونه نقد نوشتن به این دست از قهرمانان "اتحاد" مردم ایران را بر هم می‌زند. از طرف دیگر گویا بنا به اعلام و ژست‌های پیشا انتخاباتی و پسا انتخاباتی ایشان و یاران شان، بر خلاف آن "گروه‌های الحادی" و این "مارکسیست‌ها"، ایشان خیلی انسان‌های دموکراتیکی هستند که قرار بود، برای ما دموکراسی و آزادی به ارمغان بیاوند.

حتی اگر بسیار خوشبینانه به این ادعاها پاسخ مثبت بدهیم و بسیار هم "فراموش کارانه" چشم بر سوابق شیخ مهدی کروبی و امثال ایشان درگذشته شان ببندیم و البته "میزان را حال افراد" بدانیم. باز هم باید محکم در مقابل این اظهارات شیخ مهدی که درست در روز "پنجشنبه ۱۵ مرداد" و در صفحه "احزاب/۴" روزنامه اعتماد ملی، ارگان رسمی حزب اش در شماره "۹۸۷" بیان شده است، بایستیم و با صدای بلند نقدمان را بیان کنیم. تا شاید در این هیاهوی گولوله و باتوم و رسانه‌های مخملین و رنگارنگ هشدار ما نیز شنیده شود.

متأسفانه منطق شیخ مهدی کروبی برای بیان این جملات تفاوت بنیادان که هیچ، حتی تفاوت ظاهری و شکلی نیز با منطق آقایانی که اکنون زمام امور امنیتی، انتظامی و سیاسی کشور را در دست دارند و گویا قرار است شیخ مهدی کروبی با آنان به مبارزه بپردازد، ندارد. آقایان حاکم نیز همچون شیخ مهدی کروبی بیشتر دوست دارند از آن چیزی که "مردم" می‌خوانند که معمولاً هم "لباس شخصی" می‌پوشند و البته "از جنس مردم" هم هستند برای مقابله با گروه‌های منحرف حالا چه مارکسیستی باشد، چه لیبرال، چه سلطنت طلب و جدیدا هم اصلاح طلب و... که گویا برخی اوقات می‌بخوانند در "میدان آزادی" تجمع کنند، بپردازند. این آقایان حاکم فعلی هم زیاد دوست ندارند نیروهای نظامی را به خیابان‌ها بیاورند برای همین به نیروهای نظامی شان دستور می‌دهند با لباسی از جنس مردم به خیابان‌ها بیایند و بر این نیروی نظامی نام نیروی مقاومت مردمی می‌نهند. آن چیزی که شیخ مهدی کروبی از آن با نام "مردم" نام می‌برد در ادبیات امروز همه با نام "لباس شخصی" می‌شناسند. البته در ادبیات حاکمان کنونی هنوز این افراد "مردم" هستند. لباس شخصی‌هایی که اکنون در خیابان‌ها با انواع ابزارها سعی دارند "گروه‌های منحرف" را به راه "راست" هدایت کنند، پدیده‌ای نیستند که امروز و دیروز متولد شده‌اند. این پدیده دقیق از زمانی متولد شد که امثال شیخ مهدی کروبی و دوستان دیروز و رقبای امروزشان همه با هم متحد شدند که به نام "مردم" بخش دیگری از "مردم" را سرکوب کنند. شاید سن و سال نگارنده و بسیاری از خوانندگان این سطور اجازه ندهد خاطره‌ی عینی از آن چیزی که شیخ مهدی کروبی "زمانی" می‌خواند "که مارکسیست‌ها در میدان آزادی تجمع می‌کردند" را داشته باشیم. اما گواهی تاریخ هست. تاریخ گواهی می‌دهد که لاقلاً برخلاف سخنان شیخ مهدی کروبی "این مردم" نبودند "که به مقابله با آن گروه‌های مارکسیستی" پرداختند. بلکه درست کساتی از جنس همین لباس شخصی‌های امروز آن زمان به مقابله با آن بخش از مردمی که حال به نام "مارکسیست" می‌خواستند از حقتشان برای برگزاری تجمع در میدان آزادی استفاده کنند برخوردار می‌کردند. در اینجا با صراحت می‌گویم اگر شیخ مهدی کروبی واقعاً اعتقاد دارد که این "مردم" بودند که در سال‌های ابتدایی انقلاب به تجمعات گروه‌های مختلف از جمله مارکسیست‌ها حمله می‌کردند، باید ایشان بپذیرند که باز همان مردم هستند که در سال ۸۸ بار دیگر به تجمعات حمله می‌کنند. این منطق شیخ مهدی کروبی یعنی اجازه دادن به آن چیزی که "مردم" می‌خواند برای حمله و مقابله با تجمعات یک بخش دیگر از "مردم" حال اگر حتی این بخش دوم مارکسیست و یا ملحد هم باشند، بالاخره

جز همان شهروندانی هستند که گویا شیخ اصلاحات و جدیدا شیخ و الشیوخ "تغییرات" می‌خواست از حقوق شهروندی شان دفاع کند.

البته متأسفانه گویا هیستری که برضدان بخش از مردمی که خود را مارکسیست می‌دانند در میان شیخ مهدی کروبی و اطرافیان اش یک بیماری حاد است. پیش از این نیز در جریان مناظره تلویزیونی شیخ مهدی کروبی با آقای میر حسین موسوی وی با اشاره به انتقادات "محمود دولت آبادی" به یکی از حامیان اش یعنی "عبدالکریم سروش" که اتفاقاً روزگاری همین سروش تنوریسین حذف همان "مارکسیست‌ها" از دانشگاه‌ها بوده است، بار دیگر به مارکسیست‌ها حمله کرد.

البته یک مثال درس آموز تر در این زمینه، را می‌توان سرمقاله‌ی سردبیر سابق شهروند امروز و سردبیر فعلی ارگان رسمی حزب اعتمادملی دانست. سرمقاله‌ی معروف "محموقچانی" با عنوان "که در "" به چاپ رسید و در همان روزها بحث‌های فراوانی را به وجود آورد. لب کلام محمد قوچانی در آن مقاله این بود که عجزانه از اصولگرایان و محافظه‌کاران درخواست کرده بود که با هم متحد شوند تا کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها را از دانشگاه و جامعه حذف و سرکوب کنند.

در اینجا اگر بخواهیم با زبانی سخن بگوییم که شیخ مهدی کروبی و حامیانش نیز متوجه شود. باید به ادبیات فولکلور ایرانی چنگ زیم و خوشه‌ای برچینیم در نتیجه می‌گوییم: چرخش روزگار عجب بازی‌هایی دارد و چه خوب است که با دیده عبرت به آن نگریسته شود. شیخ مهدی خود اکنون بارها توسط همان لباس شخصی‌های که روزگاری به نام "مردم" به مارکسیست‌ها و دیگرگروه‌های مخالف حمله می‌کردند مورد حمله قرار گرفته است. محمد قوچانی توسط همان اصولگرایانی که قرار بود با هم متحدشوند دوماً مارکسیست‌ها و کمونیست‌های جوان را از دانشگاه و جامعه حذف و سرکوب کنند به زندان افتاده است. سعیدحجاریان که خود روزگاری موسس اطلاعات بود اکنون در چنگال همان وزارتخانه گرفتار آمده است و ده‌ها تن دیگر که خود موسسان این وضعیت و پاسدران آن، اکنون گرفتار در زندان همین حکومت هستند. در این میان گویا آن گروه‌های الحادی و مارکسیست‌ها هستند که دارند از حقوق شیخ مهدی کروبی و محمد قوچانی و سعیدحجاریان و... دفاع می‌کنند. البته باز هم اگر قرار باشد با همان ادبیات فولکلور صحبت کنیم، می‌گوییم: هیچ منتهی بر سر شیخ مهدی و یاران اصلاح طلب اش بابت حمایت مارکسیست‌ها و دیگر کساتی که به قول شیخ مهدی "ملحد" هستند، از ایشان در کار نیست. تنها در این جا لازم می‌دانم چند تذکر و یک هشدار جدی بدهم. و اما تذکرات:

۱- مخاطب اول آن دوستانی هستند که به نام چپ در در این انتخابات برای شیخ اصلاحات گلوپاره کردند، دوستان عزیز تحویل بگیرید. وی هنوز قدرت نگرفته برای مارکسیست‌ها خط و نشان می‌کشد و قرار است لباس شخصی‌ها "را" به نام مردم به جان ما بیاندازد تا لزوم نداشته باشد نیروی نظامی به خیابان بیاورند.

۲- مخاطب بعدام، اولترا لیبرال‌های حامی شیخ هستند که ادعاهای آزادی خواهانه و دموکراسی طلبانه و فحاشی‌هایشان به چپ و زدن انگ و اتهاماتی مبنی بر این که مارکسیست‌ها به دموکراسی پایبند نیستند گوش جهان را کر کرده بود. آقایان باز هم با همان ادبیات فولکلور، می‌گویم: دم خروستان را باور کنیم یا قسم حضرت عباس تان؟!

۳- ای کاش این باردوستان اصلاح طلب حکومتی خصوصاً و همه‌ی مردم ایران عموماً این درس بزرگ را بگیرند که آغاز چرخه حذف و سرکوب، یعنی فرو رفتن در یک باتلاقی که روزگاری گلو و دهان ما نیز در آن فرو می‌رود. اگر در ابتدای انقلاب گروه‌های مارکسیست و به قول شیخ مهدی "الحادی" سرکوب نمی‌شدند شاید امروز خود اصلاح طلبان نیز شاهد این همه سرکوب و زندان نبودند. کاش این بار آخرین بار باشد.

۴- با وجود این سخنان شیخ مهدی کروبی و برخی مواضع دیگر اصلاح طلبان و شهروندی این افراد دفاع می‌کنم و خواهان آن هستم که تمامی شان از زندان آزاد شوند و شرایطی فراهم آید که بتوانیم آزاده و البته بی‌رحمانه به نقد آنان بپردازیم. البته به این شرط که در مقابل نقد‌های مان ناگهان "مردم" یا بخوانید (لباس شخصی‌ها) را نفرستند که با ما مقابله کنند و به راه "راست" هدایت مان کنند تا ما هم در زندان دچار تحول شویم.

اما هشدار جدی من: روزگاری یک پیرمرد که گویا قرار بود گاندی ایران شود در زیر یک درخت سیب در پاریس گفت: "حتی مارکسیست‌ها نیز در ابراز عقیده آزادند." سخن وی حتی با قرار دادن آن قید محکم "حتی" اش عملاً آن چیزی شد که الان همه با عنوان دهه سیاه ۶۰ از آن سخن می‌گویند. حال شاگردان آن پیرمرد که هنوز در پشت خاک ریز "خط آن پیرمرد" سنگ‌گرفته‌اند، هنوز هیچی نشده برای سرکوب "مارکسیست‌ها" خط و نشان می‌کشند و می‌خوانند لباس شخصی‌ها یا به قول خودشان "مردم" را به مقابله با "مارکسیست‌ها" بفرستند تا لازم نباشد "نیروی نظامی را به خیابان‌ها بیاورند." در این شرایط آیا انتظار داریم ما به دیگر وعده‌های شان باورمند باقی بمانیم؟

۱۶ مرداد ۱۳۸۸

شما نیز برای ثبت در تاریخ مبارزات مردم ایران لیست شعارهای درون کشور را تکمیل کنید

یادداشت

این شعارها را از درون گزارشات، فیس بوک، ایمیل ها و مطالب توئیتر درون کشور فراهم آوردم . در صورت امکان تکمیلش کنید تا برای این مرحله از تاریخ مبارزات مردم ایران درس آموز باشد می توان ویاید از مبارزان داخل کشور در برابر گلوله و توپ و تانک تمامیت ارتجاع جمهوری اسلامی آموخت !

با احترام

امیرجوهری لنگرودی

لطفا شعار های تکمیلی را به این آدرس ارسال دارید .

gbgandishe@yahoo.com

جمعه ۱۶ مرداد ۱۳۸۸ برابر ۷ جولای ۲۰۰۹

شعار ها

پلاکارها و باندرول ها با ستاره مشخص شده است :

اگر تقلب بشه / ایران قیامت میشه (۲۲ خرداد)

ما کشته ندادیم که سازش کنیم / صندوق دست خورده شمارش کنیم

سری که خارش دارد / خودش سفارش دارد

طوفان سکوت ما ، کاخ ظلم را ویران خواهد کرد

* خواسته مشروع ما انتخابات مجدد با حضور ناظران بین المللی است

* ما می دانیم چه می خواهیم ، شما می دانید چه می خواهید ؟

* ابتداء شما را نادیده می گیرند / بعد به شما می خندند / بعد با شما

مبارزه می کنند / آنگاه شما پیروز خواهید شد گاندی

* سکوت می کنیم تا صدای گلوله بهتر شنود شود !

فکر کردید ما آرام می گیریم ؟ / کور خوندید / یا هممون می

میمیریم / یا اینکه رایمونو را از شما پس می گیریم

ما خواستار ابطال انتخابات تقلبی هستیم

ما خواستار مجازات قانونی متقلب هستیم

ما خواستار مجازات قانونی مجریان تقلب هستیم

ما خواستار مجازات قانونی ناظران متقلب هستیم

* خدا با ماست / خدا را هم فیلتر کنید

باز هم تقلب شده / احمدی سید شده

* اینجا دره سوان / شهر طالبان / نه صدا ، نه تصویر ، نه قلم

حدا ، عادل نیست / حداد ، ظالم است / ننگ بر صدا و سیما

* نوشتم : میرحسین / خواندید احمدی نژاد /

من فقط رای خودمو رو می خوام ...

* ببین چه بلند است / لحظه های سکوت

* یک نفر را می شود ، فریب داد / همه را می توان یکبار فریب داد

/ ولی برای همیشه نمی توان همه را فریب داد

* جواب همصدایی ها / پلیس ضد شورش نیست

* ملت ظرفیت برد را دارد / خوب است حاکمیت ظرفیت باخت را

داشه باشند.

* آنها که کشتید / مردم بودند.

* رای سبز من / نام سیاه تو نبود

* دولت کودتا به امید خسته شدن ما است !!!

ما ملتیم نه اوباش

ما خس و خاشاک نیستیم

* فقط ابطال انتخابات

* باز شماری معنا ندارد ، فقط ابطال

* به کدامین گناه کشته شدند؟

* ما سوگواریم

برادر شهیدم رایتو پس می گیرم

رای ما رو پس بدید

* رای ما سبز بود نه سیاه

* رای من کجاست؟

دلیر بی باک منم / مالک این خاک منم ،

* راه شهدای سبز من ادامه دارد

می جنگیم ، می میریم ، دلت نمی پذیریم

* خشونت چرا؟

* آزادی مطبوعات ، ابطال انتخابات

* سکوت از رضایت نیست

* راهمان را ادامه می دهیم تا ابطال انتخابات

مرگ بر دیکتاتور / چه شاه باشه چه دکتر

توپ تانک چماق دار / دیگر اثر ندارد

حکومت کودتا نمی خوایم نمی خوایم

کشته ندادیم که سازش کنیم / صندوق دست خورده شمارش کنیم

احمدی به گوش باش / ما مردمیم نه اوباش

آن خس و خاشاک تویی / پست تر از خاک تویی

* آزادی و برابری

* من درد مشترکم مرا فریاد کن

* کوی دانشگاه به خاک و خون کشیده شد

رنگ سبز بهانه است / کل نظام نشانه است

خامنه ای پیوشه / دستگیر باید بشه

منتظریم اگر تقلب بشه / شهر قیامت بشه (در اصفهان داده شد)

رای ما چه شد / دولت دیکتاتور

دلوار هسته ای / بگیر بخواب خسته ای

تا احمدی نژاده / هر روز همین بساطه

این دولت تقلب / این دولت خیانت ، محکوم است

توپ و تانک و فشقه / محمود باید شسته

یک هفته ، دو هفته / احمدی حموم ترفته

* قلم ، بیان ، اندیشه / بی آزادی نمیشه

آزادی اندیشه / همیشه همیشه

مرگ بر عماله / رهبر کارت عماله

* آزادی زنان ، برابری همگان

* تا جواب نگیرم ، از پای نمی نشینم

تقلب ، یک درصد ، دو درصد ، نه ۵۳ درصد.

هاله ی نور را دیده ، رای ما را ندیده.

رای ما را دزدیدند / باید به ما پس بدند.

رای ما را دزدیده / با رای ما پز می ده

ندای نازنینم / رای تو پس می گیرم

مرگ بر کوتولو دیکتاتور

این دولت تقلب / این دولت جنایت / محکوم باید گردد

ما می گیم شاه نمی خوایم / اسمشو رهبر می زارند

موسوی ، موسوی / رای ما رو پس بگیر.

می جنگم ، می میرم / رای ام پس می گیرم.

دولت کودتا ، استعفاء ، استعفاء.

نصر من الله و فتح القریب / مرگ بر این دولت مردم فریب.

احمدی پیوشته / ایران شیلی نمیشه.

احمدی به هوش باش / ما ملتیم نه اوباش.

خس و خاشاک تویی / دشمن این خاک تویی.

مرگ بر دیکتاتور ، مرگ بر دیکتاتور.

توپ ، تانک ، فشقه / محمود باید جیم بشه.

توپ ، تانک ، فشقه / محمود باید شسته شه.

دلوار هسته ای / بگیر بخواب خسته ای.

دولت سیب زمینی / نمی خوایم ، نمی خوایم.

عمو دروغ باف ، بعله ، دروغ ها را خوب بافتی / بعله به ملت انداختی؟ بعله

دکتر ، برو دکتر

یک هفته و دو هفته / احمدی حموم ترفته.

برادر رفتگر / محمود بردار و ببر.

ایران شده فلسطین / مردم چرا نشستن ،

ایران شده فلسطین / مردم به ما محلق شین.

نترسین ، نترسین / ما همه با هم هستیم.

بسجی بی غیرت / دشمن چون ملت.

تا خون در رگ ماست / این کار هر شب ماست

مرگ بر ولایت مطلقه

می جنگیم می جنگیم ، دلت نمی پذیریم

حکومت استبداد نابود باید گردد

مزدور حزب اللهی نابود باید گردد

ما ملت آزادیم ، شاه و شیخ نمی خوایم

حکومت جنایت نابود باید گردد

می کشم می کشم / آنکه برادرم کشت

آنکه برادرم کُشد / می کشم

توپ ، تانک مسلسل / دیگر اثر ندارد

تا مرگ این حکومت نهضت ادامه دارد

آزادی ، آبادی مرگ بر حکومت اسلامی

آرمان ما آزادیست ، نهضت ما رهاییست

برانداز برانداز ، این است شعار ملت

جنایت ، خیانت ، کردار این حکومت

همبستگی ، اتحاد برای سرنگونی

اکبرشاه ، اکبرشاه ، مرگ بر شاه ، مرگ بر شاه

مرگ بر خامنه ای

مرگ بر احمدی نژاد

شیخ و شاه و ولایت همه از یک قماشند
 جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم ،
 دانشجو کارگر حمایت می کنیم،
 زنده باد آزادی، مرگ بر دیکتاتور،
 موسوی فقط بهانه است / کل نظام نشانه است،
 اعدام - شکنجه - سنگسار / ملغی باید گردد،
 ایرانی با غیرت حمایت حمایت
 کریمی، کریمی سلطان این خاک تویی ... کریمی

شعارهای روز جمعه ۲۶ تیر ۱۳۸۸

الله اکبر شعاری ترجیحی بود که مابین شعارهای دیگر سرداده می شد.
 مرگ بر دیکتاتور.

یا حسین میرحسن،
 حسین، حسین شعار ماست، موسوی افتخار ماست.

موسوی موسوی حمایت میکنیم.

ما اهل کوفه نیستیم / حسین تنها بماند.

ایرانی با غیرت حمایت حمایت.

سکوت هر ایرانی، تانید این ویرانی.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

نصرالله و فتح الغریب، مرگ بر این دولت مردم فریب.

برادر شهیدم/ رایتو پس می گیرم.

مجتبی بمیری/ رهبری رو نبینی.

مرگ بر روسیه. مرگ بر چین.

"هاشمی، هاشمی / سکوت کنی خانی".

درود بر هاشمی، سلام بر موسوی

هاشمی، هاشمی، حمایت حمایت.

صدا و سیمای ما، مایه ی ننگ ما.

مجتبی بمیری رهبری را نبینی.

شهیدا نمرند این دولت است که مرده

شهید ندادیم که مذاکره کنیم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مرگ بر دیکتاتور

برادر شهیدم خونت را پس می گیرم.

دولت کودتا استعفا استعفا.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

مرگ بر دیکتاتور / چه رهبر باشه چه دکتور

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

انصر من الله و فتح فریب / رهبر ما قاتله ولایتش باطله

ما همه یك صدانیم/ ما همه یك ندانیم.

دور دور قیامه / رژیم کار تمامه (رشت ۱۸ تیر)

دو دور قیامه / کار رژیم تمامه (شیراز ۱۸ تیر)

ما همه بچه های جنگیم / جنگ تا جنگیم

احمدی ننگ به نیرنگ تو (۳۰ تیر)

رهبر ما قاتله / عبادتش باطله (۱۰ مرداد)

شعارهای ۱۴ مرداد

همسایه با غیرت / حمایت حمایت

*ما سبزیم / چون اراده کردیم ایم از سیاهی بگذریم

*یاد یار مهربان آید همی

*پیروزی صداقت بر دروغ

*احمدی / احمدی رفت؟

* ما از کودتای سال ۱۳۳۲ درس آموخته ایم .

رهبر ما قاتله / عبادتش باطله

مخالفت با اصل حکومت/ فریاد ماست

حکومت زور نمی خوام/ مجلس مزدور نمی خوام

بسیجی بی غیرت / دشمن خون ملت

دولت کودتایی/ استعفاء استعفاء

خامنه ای حیا کن / رهبری را رها کن

*زندگی نکن برای مردن/ بمیر برای زندگی.

برای مرگ مجتبی / مهدی بیا مهدی بیا

طی ۲۴ ساعت اخیر، بمحض ارسال به دوستانی در ایران

شعار های رسیده به ایمیل ام از ایران:

کوی و به خون کشیدند / امتحانم می گیرند

حجاب اختیاری / حق زن ایرانی

برادر شهیدم / رایتو پس می گیرم

ای خواهر شهیدم / رایتو پس می گیرم

سهراب ما نمرده / این دولته که مرده

ندای ما نمرده / ولایت که مرده

نه سازش، نه تسلیم / نبرد تا پیروزی

کشته ندادیم که سازش کنیم / صندوق دست خورده شمارش کنیم .

دولت جنایت می کند / رهبر حمایت می کند .

نیروی انتظامی / حمایت حمایت

برادر ارتشی / سهراب برادرت بود .

کروبی با غیرت / برس به داد ملت .

* شاه صدای ملت ایران را دیر شنید

تورم مو ننه چون مهدی فهمید / این کوتولو نفهمید

شعارهای جدید رسید ۱۰ آگوست ۲۰۰۹ .

مرگ بر تو ای رهبر

محمود خانن آواره گردی/ خاک وطن ویرانه کردی / کشتی جوانان وطن، آه و

واویلا / مرگ بر تو ، مرگ بر تو ، مرگ بر تو (۱۸ تیر ۱۳۸۸ چهار راه

ولی عصر)

پول نفت چی شد؟ / خرج بسیجی شد

خونی که در رگ ماست / هدیه به ملت ماست

ندانیم ، سهرابیم / ما همه یک صداییم

سهرابیم ، ندانیم / ما همه یک صداییم

نه غزه ، نه لبنان / جاتم فدای ایران

مترو ، مترو ، حرکت حرکت / مرگ بر دیکتاتور(ایستگاه مصلی تهران)

میدان ونگ پُر از ندای آزادی

عزا عزاست امروز / ایرانی با غیرت صاحب عزاست امروز(۸ مرداد در

بهشت زهرا)

حکومت زور نمی خوایم / پلیس مزدور نمی خوایم

می کشم ، می کشم / هر که یاورم کشت

دانشجوی شهیدم / نعشتو من ندیدم (۱۸ تیر ۱۳۸۸ در دانشگاه)

جنتی لعنتی / تو دشمن ملتی (۱۸ تیر ۱۳۸۸ در خیابان کارگر)

* من به حنجره فریادمو / به صورت سیلی خورده دردم (این پلاکادر را

در تاریخ ۱۸ تیر در بلوار کرج دیدم)

تصویر بزرگ خامنه ای در بلوارنصب شده بود (۱۸ تیر ۱۳۸۸) ، مردم بر

آن دو شاخ گذاشتند و زیر آن نوشتند : مرگ بر تو دیکتاتور کثیف

تازه رسیده ها ساعت ۱۳ روز دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۸

بسیجی واقعی / همت بود و باکری

خمینی کجایی/ موسوی تنها شده

رای ما یک کلام /نخست وزیر امام

این شصت و سه درصد که میگن کو؟ / دروغگو

دیکتاتوری تمومه / چه تاج و چه عمامه

نه سازش ، نه تسلیم / نبرد تا رهایی

*** پیوندها ***

سرمدبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص

میشوند ، الزاما بیانگر مواضع سازمان نیستند.